

# عصر شکوفایی

درس یازدهم

## قسمت اول: کلیات

### الف) هدف‌ها

- ۱ هدف کلی: آشنایی با برخی ابعاد تمدن اسلامی و تعیین میزان انطباق آن با معیارهای موردنظر اسلام
- ۲ هدف‌های آموزشی
  - توضیح درباره تلاش مسلمانان برای انتقال از جاهلیت به اهداف متعالی اسلام
  - آشنایی با برخی دستاوردهای تمدن اسلامی
  - تبیین میزان انطباق دستاوردهای تمدن اسلامی با معیارهای متعالی اسلام

### ب) ارتباط با درس قبل

در درس قبل، معیارهای یک تمدن متعالی از نظر اسلام شناسایی شد و روشن گردید که تمدن به میزانی که به این معیارها نزدیک‌تر باشد، ارزشمندتر است. در این درس، اولین تطبیق با این معیارها صورت می‌گیرد؛ یعنی تمدنی که به نام تمدن اسلامی، از ظهور اسلام پدید آمد و در چند قرن گسترش و توسعه یافت، با این معیارها تطبیق داده می‌شود.

### ج) محورهای اصلی درس

- ۱ آشنایی اجمالی با اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام در شبه جزیره عربستان، ایران و روم
- ۲ تلاش پیامبر و مسلمانان برای تحقق معیارهای تمدن اسلامی
- ۳ بررسی وضعیت جامعه اسلامی در عرصه خانواده، علم و فرهنگ و عدالت

## قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

### الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

یکی از سؤال‌های دانش‌آموزان، سؤال از گذشته تاریخی خود و مقایسه آن با وضع موجود جهان است. آنها می‌خواهند بدانند که جایگاه نیاکانشان در تاریخ چگونه است؟ آنها نگرانند که بسیاری از کاستی‌های امروز جهان اسلام، ریشه در گذشته دور داشته باشد و این کاستی‌ها را نتوان برطرف کرد. براین اساس، درس باید به گونه‌ای آغاز شود که این دغدغه‌ها و سؤال‌ها زنده شوند و دانش‌آموزان احساس کنند که محتوای درس مرتبط با نیازهای آنان و پاسخ‌گوی مسائل آنهاست. بنابراین، در ابتدای تدریس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که دیدگاه خود را درباره تاریخ گذشته و تمدن اسلامی بیان کنند و روی تابلو یادداشت نمایند. این دیدگاه ممکن است انتقادآمیز یا همراه با تأیید باشد. در این مرحله به نقد این دیدگاه‌ها نمی‌پردازیم، بلکه فرصت می‌دهیم دانش‌آموزان درس را مرور کنند؛ در پایان بار دیگر به سراغ دیدگاه‌ها می‌رویم و نظر دانش‌آموزان را جویا می‌شویم.

### ب) مراحل تدریس

این درس و درس بعد ساختار خاصی دارند که در درس‌های دیگر تکرار نمی‌شود. حجم زیادی از محتوا را دانش‌آموزان موظفند که فقط یک بار، آن هم در هنگام تدریس مطالعه کنند. این قسمت‌ها که تحت عنوان «برداشت» در کتاب مشخص شده است، برای امتحان کتبی نیست و در آینده از آنها سؤال نمی‌شود. البته در پایان هر برداشت چند سؤال طرح شده که باید در کلاس تکمیل شود. بنابراین، روش تدریس این درس باید مبتنی بر مطالعه گروهی یا فردی، گفت‌وگوی دو دانش‌آموز، کنفرانس هر برداشت توسط یک یا چند دانش‌آموز و در نهایت، تنظیم پاسخ‌ها توسط گروه‌ها یا افراد باشد. در قسمت‌های مختلف می‌توان از فیلم‌های مستند، عکس و کتاب‌هایی که آثار تمدن اسلامی را نشان می‌دهند، استفاده کرد. مراحل تدریس این درس به قرار زیر است :

ردیف	مراحل تدریس
۱	تبیین اوضاع نامناسب اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام در سرزمین‌های حجاز، ایران و روم
۲	مروری بر جنبه‌های مثبت ایجاد شده توسط تمدن اسلامی در حوزه خانواده، علم، فرهنگ و عدالت
۳	انجام فعالیت «هم‌اندیشی»

**۱** تبیین اوضاع نامناسب اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام در سرزمین‌های حجاز، ایران و روم؛ این بخش از این جهت در درس گنجانده شده تا دانش‌آموزان با آشنایی اجمالی با شرایط پیش از اسلام و عقب‌ماندگی عمیق جوامع از ارزش‌های متعالی انسانی، به این نکته پی ببرند که اسلام در چه شرایط و موقعیتی توانست پایه‌های تمدن اسلامی را بنیان نهد. چرا که اگر تمدن اسلامی در موقعیتی ایجاد می‌شد که سایر جوامع بهره‌مند از ارزش‌های معنوی بودند، و از سطح مطلوبی در حوزه خانواده، علم، عدالت و... برخوردار بودند، دیگر ایجاد تمدن اسلامی چندان کار بزرگی به حساب نمی‌آمد زیرا سایر جوامع نیز به سطحی از این تمدن رسیده بودند، اما شکل‌گیری این تمدن در سرزمینی که خود و همسایگانش در پایین‌ترین سطح پایداری به این ارزش‌ها بودند، کاری بزرگ به حساب می‌آمد.

**نکته مهم:** این که در این بخش اوضاع ایران و روم نیز در کنار اوضاع عربستان بررسی شده است از این جهت است که ذهنیت غلط شکل گرفته در برخی مخاطبان اصلاح شود. ذهنیتی که براساس آن کشورهای چون ایران و روم را دارای سطح بالایی از تمدن تصور می‌کند و گمان می‌کند که ایران قبل از اسلام سراسر در بردارنده ارزش‌های انسانی بوده و ورود اسلام به ایران هیچ نقشی در توسعه این ارزش‌ها نداشته است.

بیان بخشی از واقعیت‌های موجود در خصوص ایران پیش از اسلام کمک شایانی به اصلاح این باور غلط می‌کند. کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری نکات خوبی در خصوص ایران قبل از اسلام دارد.

**۲** مروری بر جنبه‌های مثبت ایجاد شده توسط تمدن اسلامی در حوزه خانواده، علم و فرهنگ و عدالت؛

در این بخش سعی شده تا نگاهی به اثرات تمدن اسلامی در این سه حوزه انداخته شود؛ زیرا متأسفانه به دلیل کم‌کاری ما و تبلیغات و فضا سازی بیگانگان در تضعیف خودباوری میان مسلمانان، حتی بسیاری از ما دیران دینی نیز آگاهی کافی را از اوج شکوفایی تمدن اسلامی نداریم. اگر پیرامون آن دوره مطالعه دقیقی صورت گیرد، به خوبی معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خواهیم یافت که چگونه جامعه‌ای که در آن فقط ۱۷ نفر خواندن و نوشتن می‌دانستند را به امتی تبدیل کرد که حتی در بسیاری از روستاهای آن، مدرسه و مکتب‌خانه وجود داشت و داشتن کتابخانه به صورت یک فرهنگ عمومی درآمده بود.

این که زن از یک شیء از منظر مردمان آن روز به شخصیتی متعالی تبدیل شود و برای او حق و حقوقی فراوان در نظر گرفته شود که پا به پای مرد در کمالات معنوی و بهره‌گیری از علم و دانش حرکت کند، معجزه‌ای است که تنها به دست پیامبر خاتم تحقق یافت.

### **۳** انجام فعالیت هم‌اندیشی

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم بار دیگر تمدن اسلامی را احیا کرده به جایگاه مناسب خود در جهان برسانیم، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

طرح این قبیل سؤال‌ها و اندیشه درباره آن به دانش‌آموزان می‌فهماند که می‌توانند درباره مسائل بسیار اساسی و بنیادی اجتماعی، فرهنگی و جهانی نظر دهند و باید خود را برای حضور در صحنه‌های بزرگ اجتماعی آماده کنند. همچنین این قبیل سؤال‌ها کرامت و عزت نفس دانش‌آموزان را تقویت می‌کند زیرا خود را در موقعیتی می‌یابند که می‌توانند درباره مسائل تاریخی و جهانی اظهار نظر کرده و پیشنهاد بدهند و در حدّ توان خود، پیشنهادهای عملی را ارائه و پیگیری کنند. دانش‌آموزان عزیز ما باید دریابند که اگر در دورترین روستاها هم زندگی کنند، حق دارند و می‌توانند در حدّ توان خود در جهان مؤثر باشند و مسئولیت دارند برای احیای تمدن اسلامی تلاش کنند.

مهم‌ترین نکته‌ای که در پاسخ این سؤال باید مورد توجه باشد شناخت عوامل اعتلای تمدن اسلامی و عوامل افول آن است. براساس این شناخت، لازم است که عوامل افول را از بین ببریم و عوامل اعتلا را زنده کنیم. مثلاً اگر مهم‌ترین عامل داخلی افول، انحراف حکومت اسلامی از سیره نبوی به سلطنت اموی و عباسی بود، تلاش امروز ما باید این باشد که پایه‌های نظام اسلامی را استوار کنیم و مانع انحراف آن شویم و این کار با امر به معروف و نهی از منکر امکان‌پذیر است. همچنین لازم است نظام اسلامی را به چنان سطحی از قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی برسانیم و به‌گونه‌ای انسجام درونی نظام را تقویت کنیم که در مقابل تهاجمات بیرونی بایستد و دشمنان را از تعرض به خود بازدارد.

توجه به عقل و عقلانیت، علم‌دوستی و تلاش برای فتح قله‌های علم، دور کردن خود از سستی‌ها و تنبلی‌ها، اساس عزت نفس و کرامت نفس و بالاخره پیروی از پیام‌های قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام راه‌هایی برای اعتلای تمدن اسلامی است.

## قسمت سوم : تمهیدات

### الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱ ممکن است دانش‌آموزان این سؤال را مطرح کنند که چگونه این همه پیشرفت علمی توسط احکام ستمگر و فاسد انجام گرفت و نیز ممکن است این مسئله به ذهن برخی از دبیران خطور کند که ذکر این پیشرفت‌ها سبب شود که دانش‌آموزان، حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس را حکامی ستمگر و ظالم ببینند، بلکه حکامی متمدن و علم‌دوست تصور کنند. اما در اینجا باید به چند نکته توجه کرد :

اول آنکه اگر دین اسلام آن‌گونه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواست و برای آن برنامه‌ریزی کرده بود، پیاده و اجرا می‌شد، دستاوردی چنان عظیم و بزرگ داشت که برای ما قابل تصور نیست. در آن صورت استعدادهای فطری انسان‌ها در ابعاد گوناگون شکوفا می‌شد، عقل‌ها به فعلیت می‌رسید، زیبایی‌های زندگی

از هر جهت هویدا می‌گردید و زندگی متعالی انسانی پدید می‌آمد. آنچه در تاریخ اسلام اتفاق افتاده است جلوه کوچکی از آن آرزوی بزرگ بود و آنچه مانع تحقق آن ایده‌ها گردید، تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت ظالمانه اموی و عباسی بود. بنابراین، ما این خسارت بزرگ را به حساب همین حاکمان جور می‌گذاریم. به دانش‌آموزان می‌گوییم که اگر فقط مالک‌اشتر در زمانی که به سمت حکومت مصر می‌رفت به دست نیروهای معاویه شهید نمی‌شد و عهدنامه‌ای را که امام علی علیه السلام برای او تنظیم کرده بود، اجرا می‌کرد، چه تحول عظیمی در حکومت‌داری پدید می‌آورد و عدالت در چه سطح متعالی‌ای اجرا می‌شد.

نکته دوم اینکه وقتی ما از دستاوردهای عظیم تمدن اسلامی سخن می‌گوییم، به این نکته توجه داریم که این دستاوردها در چه شرایطی به دست می‌آمد. این دستاوردها، در مقایسه با هدف‌های عظیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار ناچیز است، اما در مقایسه با وضعیت حاکم بر دنیای آن روز بسیار عظیم و افتخارآمیز است؛ یعنی می‌بینیم که این تمدن با همه نقص‌هایش، ویژگی‌های استثنایی دارد که کاروان بشریت را از بن‌بست‌هایی نجات داده و تا فتح قله‌های زیادی به پیش برده است.

سوم آنکه این دستاوردها، عموماً با همت عموم مردم از اقشار مختلف نویسندگان، صنعتگران، هنرمندان، عالمان و دانشمندان حاصل شده و در برخی موارد حاکمان نیز همراهی کرده و در بسیاری از موارد نیز زمینه‌های رشد و شکوفایی را از بین برده‌اند که نمونه‌های فراوانی از آن وجود دارد.

نکته چهارم اینکه وضعیت تمدن امروزی نیز شاهدهی بر این مدعاست. اگر به حاکمان کشورهای بزرگ در این صد سال اخیر نگاه کنیم، می‌بینیم که این حاکمان مستکبر ستم‌های فراوانی بر مردم جهان کرده‌اند و جز به اقتدار و حکومت خود نمی‌اندیشند. در عین حال، می‌بینیم که در کنار همین حکومت‌ها پیشرفت‌های علمی و صنعتی در جریان است و همین حاکمان از این پیشرفت‌ها برای اقتدار بیشتر خود بهره می‌برند. البته همین امر سبب می‌شود که این تمدن نیز به تدریج انگیزه‌های رشد و شکوفایی و عوامل سازندگی خود را از دست دهد و روزی به افول گراید.

و نکته آخر اینکه پس از ظهور اسلام و شکل‌گیری حکومت اسلامی به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برای اولین بار حکومتی مبتنی بر قانون تشکیل شد. در گذشته نیز حکومت‌ها قوانینی داشتند اما حکومت آنان مبتنی بر قانون نبود. پادشاه و امپراتور، خود منشأ قانون و فوق قانون بود. وجود قرآن کریم در میان مردم به عنوان راهنمای زندگی فردی و اجتماعی سبب شد که مردم برای تنظیم مناسبات خود به آن مراجعه کنند و به تدریج عالمان و دانشمندانی پیدا شوند که وظیفه آنها استخراج قوانین از متن قرآن و سیره بود. این قوانین شامل قوانین مربوط به خانواده، اقتصاد و اموال، نظام اداری و سیاسی و نظام قضایی و سایر روابط اجتماعی می‌شد و حاکمان — حتی حاکمان خودکامه — ناچار بودند تا حدودی رفتار خود را بر این قوانین منطبق کنند. همین امر سبب شده بود که حاکمان دنیای اسلام، جز در برخی موارد محدود، نسبت به حاکمان

سرزمین‌های دیگر با فرهنگ تر باشند و در سطح بالاتری عمل کنند و رفتار مناسب‌تری از خود نشان دهند.

**۲ جنگ‌های صلیبی:** جنگ‌های صلیبی اصطلاحی است در مورد جنگ‌هایی که مسیحیان در سال‌های ۴۸۹ تا ۶۶۸ یا ۱۰۹۶ تا ۱۲۷۰ میلادی علیه مسلمانان و به قصد تصرف دوباره بیت المقدس به راه انداختند. نخستین جنگ صلیبی با فتوای پاپ «اوربان دوم» آغاز شد و قریب به صد هزار نفر سرباز که به «صلیبیون» معروف بودند در سال ۱۰۹۹ میلادی بیت المقدس را به تصرف خود درآوردند. در سال ۱۱۴۶ مسلمانان به فرماندهی صلاح الدین ایوبی این شهر را از صلیبیون پس گرفتند و بعد از آن بارها مسیحیان برای تصرف مجدد آن لشکرکشی کردند، اما موفق نشدند و تنها در زمان فردریک دوم، امپراتور آلمان به مدت ۱۵ سال (۱۲۲۹ تا ۱۲۴۴ م.) توانستند بر این شهر مسلط شوند.

صلیبیون در طی این جنگ‌ها نهایت درنده‌خویی را از خود نشان دادند و حتی به شهرها و روستاهای مسیحی بین راه نیز رحم نکردند. مثلاً در چهارمین جنگ صلیبی (۱۲۰۲ م.) که به فرمان پاپ اینوسان سوم رخ داد، در مسیر خود با امپراتوری بیزانس درگیر شدند و قسطنطنیه را اشغال و غارت کردند. اینوسان - برخلاف نامش که به معنی «معصوم» است - فوق العاده بی‌رحم بود که که نمونه این بی‌رحمی در فرمانی که برای اعزام کودکان خردسال و جوانان کم سن و سال برای شرکت در جنگ‌های صلیبی صادر کرد مشهور است. این کودکان حدود ۵۰ هزار نفر تخمین زده شده‌اند که در سال ۱۲۱۲ م. از طریق شمال آفریقا عازم فلسطین شدند ولی بیش از رسیدن به مقصد اغلب از بیماری و گرسنگی مردند.

### ۳ نمونه‌هایی از دستاوردهای علمی تمدن اسلامی

**پزشکی:** زکریای رازی (۳۱۳ - ۲۵۱ هجری قمری)، بیش از ۵۶ اثر در زمینه پزشکی نوشت که مشهورترین آنها الحاوی است. کتاب طب المنصوری رازی (در ۱۰ جلد) نخستین کتاب پزشکی است که در غرب چاپ شده است. او نخستین پزشکی است که از نخ‌هایی از جنس مو در جراحی استفاده کرده است. همچنین او نخستین پزشکی است که آبله را از سرخک و نفرس را از روماتیسم، مجزا دانسته و توصیف دقیقی از این بیماری‌ها نوشته است.

ابوعلی سینا (۴۲۸ - ۳۷۰ هجری قمری)، کتاب قانون را نوشت که تا سال ۱۶۵۰ میلادی در دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شد. این کتاب، که فرهنگ‌نامه پزشکی است، دست کم ۸۶ بار ترجمه شده است. ابن سینا نخستین پزشکی است که از بیمار شدن استخوان‌ها سخن گفته است.

ابوالقاسم زهراوی، کتاب التصریف را در مبانی جراحی نوشت که به لاتین ترجمه شده است. او سه روش بخیه زدن را که بیشتر در جراحی شکم به کار می‌رود، ابداع کرده است. همچنین راهکارهایی برای تسهیل زایمان‌های غیرطبیعی پیشنهاد کرده است که امروزه نیز استفاده می‌شود. خرد کردن سنگ مثانه در مثانه از نوآوری‌های دیگر اوست.

ابن زهر اندلسی کتاب مهمی در زمینه پادزهر نوشت. به علاوه، سیر بیماری سرطان معده را بسیار خوب شرح داده است.

حنین بن اسحاق، نخستین کتاب را در چشم پزشکی نوشت. کتاب او همراه کتاب علی بن عیسی و عمار موصلی، منبع اصلی چشم پزشکی اروپا شد.

داروشناسی: ابن بیطار (وفات ۶۴۶ هجری قمری)، در کتاب «الجامع المفردات الادویه و الاغذیه» که به صورت الفبایی تنظیم شده است، هزار و چهارصد داروی حیوانی، گیاهی و معدنی، روش استفاده از آنها و اینکه کدام یک را می توان به جای دیگری استفاده کرد، شرح داده است. او در نوشتن این اثر بزرگ از مشاهده های خود در سفرهای علمی متعدد به سرزمین های مشهور آن زمان و کتاب های ۱۵۰ صاحب نظر از جمله ابن جلیل، رازی و ابن سینا بهره گرفته است. او در این کتاب نام داروهای مختلف را به زبان های مختلف آورده است.

جامعه شناسی: ابن خلدون (۸۰۸ - ۷۳۲ هجری قمری)، کتاب تاریخ جهان خود را به نام «العبر» نوشت و در مقدمه آن به تجزیه و تحلیل رابطه های حاکم بر سازمان های سیاسی و اجتماعی بشر بر پایه عامل های محیطی و روانی پرداخت. این مقدمه از خود کتاب مشهورتر شد و هنوز هم مورد استفاده پژوهشگران شرقی و غربی است.

فیزیک: ابن هیثم (۴۳۰ - ۳۵۴ هجری قمری)، قانون های شکست نور را کشف کرد. به روش علمی ثابت کرد که بازتاب پروهای نور از روی اجسام به چشم، باعث تشکیل تصویر معکوس روی شبکیه چشم می شود. او نخستین دانشمندی است که از نقش مغز در تفسیر تصویر سخن گفته است. ارتفاع جو زمین را با بررسی شکستن نور محاسبه کرد. قانون اول ترمودینامیک را شرح داد. اتاق تاریک درست کرد و با آن آزمایش انجام داد. او چرخ تراشی داشت که با آن عدسی ها و آینه های خمیده را برای تجربه های خود می ساخت.

عبدالرحمن خازنی (تولد ۵۵۰ هجری قمری)، کتاب میزان الحکمه را نوشت که آن را مهم ترین اثر دانشمندان مسلمان در مکانیک دانسته اند. او در زمینه گرانش، مقاومت سیالات در برابر حرکت، وزن مخصوص سیالات و اندازه گیری وزن مخصوص مواد سخت، پژوهش های دقیقی انجام داده است. شیمی: جابر بن حیان، به جای روش ساده ذوب فلز، روش حل فلز را به کمک اسید نیتریک، اسید سولفوریک، جوهر نمک و تیزاب سلطانی (که خود اختراع کرده بود) ابداع کرد. او را پایه گذار دانش شیمی می دانند.

زکریای رازی الکل را به صورت خالص تهیه کرد و نام آن را الکحل نامید. این واژه به زبان انگلیسی نیز راه یافت و نام الکل گرفت. رازی نخستین دانشمندی است که شیمی آزمایشگاهی را به خدمت پزشکی گرفت.

بسیاری از نام‌های شیمیایی که امروزه در همهٔ زبان‌های دنیا به کار می‌روند، از یادگارهای شیمی دانان مسلمان است: شیمی (کیمیا)، نیل (آئیلین)، تالکوم (طلق)، زرنیق (آرسنیک)، بوره (براق)، قلیا، آلدئید، زاج سفید، آلزارین، پتاسیم، سولفور و... .

**ریاضی:** محمدبن موسی خوارزمی (وفات ۲۴۹ هجری قمری)، کتابی با عنوان جبر و مقابله (جبر و کاربرد آن در زندگی) نوشت و در آن روش محاسبه با عددهای هندی را شرح داد. این کتاب به لاتین ترجمه شد و عددهای هندی از طریق آن به اروپا راه یافت. به علاوه، کتاب مهمی به روش حل معادله‌های درجه دوم نوشت که به عنوان الگوریتمی در اروپا منتشر شد. او در این کتاب واژهٔ شیء (چیز) را برای مقدار ناشناخته به کار برده است. وقتی کتاب او به اسپانیایی ترجمه شد، واژهٔ شیء به صورت  $xay$  رونویسی شد، چون در اسپانیایی  $x$  به صورت «ش» تلفظ می‌شود. طی زمان این واژه به صورت  $x$  خلاصه شد و اکنون نشانهٔ جبری جهانی است.

ابولوفای بوزجانی (نیشابوری) ریاضی‌دان و اخترشناس ایرانی، کتاب هندسه را نوشت و در آن کتاب، روش رسم کردن شکل‌های گوناگون هندسی با خط کش و پرگار و ساختن چندوجهی‌های منظم را نوشت. خواجه‌نصیر طوسی، مثلثات را در قالب مستقلی از علم نجوم ریخت و با این ابتکار گام مؤثری در پیشرفت و توسعهٔ این علم برداشت. یکی از آثار نفیس او که به همین موضوع اختصاص دارد، کتاب «کشف القناع عن اسرار شکل القطاع» است. وی در این کتاب دربارهٔ شکل قطاع، محاسبه‌های سینوس و کسینوس، نظریه چهارضلعی‌ها، حل مثلث‌های مسطح و کروی و مباحث دیگر با استفاده از تجارب علمای گذشته سخن گفته است. لانکوچری هندسهٔ فضایی را بر پایهٔ اصل پنجم از اصول هندسهٔ مسطحهٔ خواجه‌نصیر طوسی بنیان‌گذاری کرد.

غیاث‌الدین کاشانی، کاشف حقیقی کسر اعشاری است و اندازهٔ دقیق از عدد بی‌ده‌دست آورده است. کتاب *مفتاح الحساب* او را یکی از برجسته‌ترین کتاب‌ها دربارهٔ محاسبه و نظریهٔ اعداد می‌داند. عمر خیام (۵۱۷-۴۲۹ هجری قمری)، جبر خیام از برجسته‌ترین کتاب‌های ریاضی است. وی معادله‌ها را تا درجهٔ سوم به روش هندسی حل کرده است. تقویم جلالی که هنوز در ایران رایج است و از تقویم میلادی بسیار دقیق‌تر است، از شاهکارهای اوست.

**زمین‌شناسی:** ابوریحان بیرونی (۴۴۲-۳۶۲ هجری قمری)، ریاضی‌دان، اخترشناس، پژوهشگر تاریخ و جغرافیا، نخستین دانشمندی است که علت پدید آمدن چاه‌ها و چشمه‌هایی را که آب از آنها فوران می‌کند (چاه‌های آرتیزین) به صورت علمی توضیح داده است. او از حرکت زمین به دور خورشید سخن گفته و شب و روز را براساس این حرکت توضیح داده است. به علاوه، برای به‌دست آوردن وزن مخصوص فلزها و سنگ‌های باارزش، ترازوی ویژه‌ای درست کرد. وی از دگرگونی‌های زمین‌شناختی به‌خوبی آگاه بوده است.



نجوم یا اخترشناسی: از معروف‌ترین دانشمندان این علم، خواجه‌نصیرالدین طوسی (۶۷۲ – ۵۹۷ هجری قمری)، است. او منظومهٔ سیاره‌ای جدیدی طرح‌ریزی کرد که شاگردش قطب‌الدین شیرازی آن را کامل کرد. در این منظومه، برخلاف منظومهٔ بطلمیوس، زمین درست در مرکز عالم قرار دارد. وی هولاکوخان مغول را به ساختن رصدخانهٔ مراغه تشویق کرد.

ابن‌شاطر، برجسته‌ترین اخترشناس قرن هشتم هجری، مدیر سازمان تعیین وقت نماز از طریق دانش اخترشناسی بود. وی با الگوی سیاره‌ای خود تغییرات نوینی در الگوی بطلمیوس به‌وجود آورد و از آنجا که الگوی وی از نظر ریاضی همان الگوی کوپرنیک است، این پرسش مطرح است که آیا الگوی او به اروپا رفته است یا نه.

البتانی، که برخی او را بزرگ‌ترین اخترشناس اسلامی می‌دانند، روش تازه‌ای برای تعیین زمان مشاهدهٔ هلال ماه کشف کرد و پژوهش گسترده‌ای دربارهٔ خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی انجام داد. ترجمهٔ کتاب معروف او، «الزیج»، تا زمانی یکی از کتاب‌های اصلی اخترشناسی در غرب بود.

جغرافیا: ابن‌حوقل، جغرافی‌دان قرن چهارم، حدود ۳۰ سال به سرزمین‌های مهم آن زمان، از جمله اسپانیا، مصر، ایران، جزیرهٔ سیسیل در ایتالیا و شمال آفریقا سفر کرد و مشاهده‌های خود را در کتابی با نام «المسالك و الممالک» گرد آورد. او در این کتاب اطلاعات باارزشی دربارهٔ زندگی مردم و فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی شهرهای مختلف فراهم کرده است و در نقشه‌های دقیقی که در این کتاب آورده، راه‌ها و فاصلهٔ شهرها را نیز مشخص کرده است.

ابوریحان بیرونی عرض و طول جغرافیایی شهرهای مهم آن زمان را تعیین کرده است. کتاب «تحقیق ماللهند»، نمونهٔ کاملی از پژوهش‌های مسلمانان در زمینهٔ جغرافیای انسانی و فرهنگ فولکلور است.

دریانوردی: ابن ماجد، مهم‌ترین دریانورد قرن نهم هجری بود که تجربه‌های شخصی او از دریای سرخ و اقیانوس هند، دقیق‌ترین توصیف این مکان‌ها در قرون وسطی است. او بیشتر راه‌های دریایی آن زمان را از دریای سرخ به شرق آفریقا و از شرق آفریقا تا چین را پیموده بوده و به شیر دریای خروشان مشهور شده بود. او ۲۸ اثر در زمینهٔ اخترشناسی و دریانوردی نوشته است. او کتابی به نام الفوائد نوشته است که راهنمای دریانوردان بوده و بدون آن پیمودن اقیانوس هند بسیار مشکل بوده است.

مکانیک: احمد بن موسی بن شاکر خراسانی، چرخ‌های آبی، پمپ‌ها و ماشین‌های ساخت که برای بالا کشیدن آب به کار می‌رفتند. وی کتابی به نام الحیل نوشت که مرجع شناختن و ساختن دستگاه‌های مکانیکی است.

ساعت‌هایی که با فشار آب، فشار جیوه، اثر حرارت شمع یا وزنه به حرکت درمی‌آمدند و نوعی ساعت خورشیدی زنگ‌دار نیز از نوآوری‌های مسلمانان بود. هارون‌الرشید در سال ۸۰۷ میلادی، سفیری را به

دربار کارل کبیر قیصر فرانک‌ها فرستاد و نمونه‌ای از ساعت‌های آبی زنگ‌دار را به او هدیه کرد. زیست‌شناسی: علی‌بن‌عباس آندلسی نخستین دانشمندی است که حرکت‌های رحم و نقش آنها را در زایمان کشف کرده است. او هزاران سال پیش‌تر از داروین از اصل انواع و پیدایش آنها بر اثر تغییرات ضروری در پاسخ به شرایط محیط‌زیست، سخن گفته است.

ابن‌نفیس، چکیده کتاب قانون ابن‌سینا را نوشت و در آن از گردش خون ششی (گردش خون کوچک) سخن گفته است. اثر جالب دیگر او، کتاب الارجوزه فی الطب است که چکیده کتاب قانون به شعر است.

#### ۴ معرفی برخی جریان‌های ظاهرگرا و سطحی‌نگر در دوران اسلامی

الف) مجسمه و مشبّهه: این نام به عموم فرقه‌هایی که در توحید معتقد به تجسم و جسم داشتن خداوند سبحان بوده‌اند و یا خدا را شبیه موجودات مادی می‌دانسته‌اند اطلاق می‌شود.

مجسمه و مشبّهه خداوند را تشبیه به خلق کنند و برایش جا و مکان اثبات کنند و گویند: بر عرش جای دارد و پاهای بر کرسی نهاده، سر و دست و جمله اعضا دارد و هرچه را که جا و مکان نباشد معدوم است و نه موجود.

ب) اشاعره: اشاعره پیروان مکتب کلامی ابوالحسن علی‌بن‌اسماعیل اشعری هستند که (در سال ۲۶۰ هـ) در بصره تولد یافت و در ۳۲۴ هجری در بغداد درگذشت و تا چهل سالگی در محضر استاد خود ابوعلی جبایی به آموختن اصول و روش استدلال «معتزله» می‌پرداخت، سرانجام بر استاد خود اعتراض کرد و از طریقه «معتزله» آشکارا کناره گرفت (۳۰۰ هـ).

ابوالحسن اشعری در فروع فقه تابع مذهب شافعی شد ولی در اثبات عقاید دینی خود با وجود نهی «اصحاب سنت و حدیث» ادله کلامی را به کار می‌برد و اصول آن را با عقاید اهل سنت و جماعت وفق می‌داد و مذهب اشعری را بنیاد نهاد.

اشعری مشرب جدیدی در علم کلام پدید آورد. چون خود پیش‌تر با معتزله همکاری داشت روش کار ایشان و نقاط ضعف فلسفه آنان را می‌دانست.

اشعری در مقابل روش «معتزله» که شیوه برهان و کلام بود، طریقه «اهل سنت» را تأیید و تقویت نمود، و برخلاف «معتزله» معتقد به «قدم قرآن» و تفاوت بین «ذات» و «صفات» خدا و ضرورت رویت خداوند در آخرت شد.

در عهد طغرل سلجوقی، عمیدالملک کندری وزیر او که از طرفداران جدی «معتزله» بود «اشاعره» را مورد تعقیب قرار داد، ولی در عهد ارسلان چون خواجه نظام‌الملک به وزارت او رسید، مذهب اشعری را تقویت کرد، و برای ترویج آن «دانشگاه نظامیه» بغداد را تأسیس کرد، تا به انتشار آن مذهب در ممالک اسلامی پردازد.

از طرفداران سرسخت مذهب اشعری که در تقویت و ترویج این طریقه اهتمام کردند، ابوبکر باقلانی، امام الحرمین جوینی، ابو حامد غزالی، فخر رازی، قاضی عضدالدین ایچی، میرسید شریف جرجانی و تفتازانی بودند.

با انتشار کتاب‌های امام غزالی، با وجود مخالفت شدید حنابله و ماتریدیه و معتزله، مذهب اشعری قوت یافت، و در بیشتر بلاد اسلام، مذهب عامه اهل سنت و جماعت گردید.

از مهم‌ترین اعتقادات اشاعره - که آنها را در مقابل معتزله و شیعه قرار می‌دهد - نفی حسن و قبح عقلی امور است. اشاعره بر این باورند که کارها به خودی خود خوب و بد نیستند، بلکه در صورتی خوب یا بد می‌شوند که خدا بخواهد. به تعبیر دیگر، مثلاً راستگویی به خودی خود خوب نیست، بلکه چون خدا فرموده خوب شده است و خدا می‌توانست به دروغگویی امر کند و آنگاه دروغگویی بهتر از راستگویی می‌شد. به این نظریه، نظریه حسن و قبح شرعی می‌گویند.

اشعری به شفاعت پیامبر در مورد مرتکبین گناه کبیره اعتقاد داشت و در باب اختیار نظریه‌ای مطرح کرد که به نظریه «کسب» معروف شد به این صورت که خداوند افعال آدمی را خلق می‌کند و انسان آنها را کسب می‌کند. بسیاری از محققین معتقدند این نظریه عملاً با نظریه جبر تفاوت چندانی ندارد، هرچند خود اشاعره این سخن را قبول ندارند.

ج) و هابیت: «وهابیان» پیروان محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶) هستند. او پیرو مکتب ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم الجوزی بود که عقایدی مخالف با عقاید همه مذاهب اسلامی را در جزیره العرب بنیان نهاد. نام این فرقه از نام پدر او عبدالوهاب گرفته شده است.

به خاطر عقاید افراطی، حتی علمای حنبلی شهر عینیه - از جمله پدرش - او را نتوانستند تحمل کنند و از شهر بیرون کردند و در سال ۱۱۰۶ به درعیه از نواحی معروف نجد رهسپار گردید.

امیر درعیه که محمد بن سعود نام داشت مقدم او را گرامی شمرد و سخنان وی را به مصلحت مقام خود دانست و به او وعده مساعدت و یاری در اشاعه عقایدش داد.

چون عده‌ای به مذهب وی گرویدند، آنان را علیه مردم نجد فرمان جهاد داد و ایشان به یاری محمد بن سعود بر نجد و قبایل ساکن در آن حدود غلبه کردند، و شهر ریاض را فتح کردند و از آن به بعد آل سعود آنجا را پایتخت خود قرار دادند.

محمد جواد مغنیه در کتاب «هذه هي الوهابية» می‌نویسد: «به نظر وهابی‌ها هیچ انسانی نه موحد است و نه مسلمان مگر اینکه امور معینی را ترک نماید که از جمله آنها این چند مورد است:

۱) به وسیله هیچ یک از انبیا و اولیای خدا به خداوند تعالی توسل نجوید و هرگاه چنین کند و بگوید: ای خدا توسط پیامبرت محمد ﷺ به تو متوسل هستم که من را مشمول رحمت خود قرار دهی، چنین

کسی به راه مشرکان رفته و عقیده‌اش شرک است.

۲ به قصد زیارت به قبر پیغمبر ﷺ نزدیک نشود و بر آن دست نگذارد و در آنجا دعا نخواند و نماز نگذارد و بر آن بنا و مسجد نسازد و برای آن نذر نکند.

۳ از پیغمبر طلب شفاعت نکند اگرچه خداوند حق شفاعت را به پیغمبر ﷺ اسلام عطا کرده است ولیکن از طلب آن نهی فرموده است و کسی که از پیامبر طلب شفاعت کند مانند این است که از بتان شفاعت خواسته باشد.

۴ هرگز نباید به پیغمبر سوگند بخورد و الفاظی از قبیل: بحق محمد، یا محمد، سیدنا محمد ﷺ بر زبان جاری نسازد.

۵ نذر برای غیر خدا و پناه بردن و استغاثه به غیر خداوند شرک است.

۶ زیارت قبور و ساختن گنبد و بنا بر آنها و تزئین قبور و سنگ و کتیبه نهادن بر آن و چراغ و شمع گذاشتن بر آن شرک است.

وهابیان در باب توحید دیدگاه «مجسمه» را دارند و خداوند را دارای اعضا و جوارح می‌دانند. «وهابیه» در سال ۱۲۱۶ هجری قمری بعد از خراب کردن قبور بقیع، به کربلا و نجف حمله کردند و حرم حضرت امام حسین علیه السلام را غارت نمودند و قریب چهار هزار تن از مردم شیعه آن شهر را بکشتند. ایشان بر آن بودند که گنبد رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز خراب کنند و با خاک یکسان نمایند ولی از بیم اعتراض دیگر مسلمانان از این کار خودداری کردند.

مذهب وهابی اکنون در عربستان سعودی مذهب رسمی است و فتاوی علمای آن مذهب از طرف دولت اجرا می‌شود.

با تبلیغات متعدد عقاید «وهابیان» در آفریقا و هند رواج فراوان یافته است چنان‌که در زنگبار بسیاری از مسلمانان به این مذهب گرویده‌اند.

در هندوستان پیشوای این فرقه سید احمدخان (۱۸۱۷ - ۱۸۹۸) ملقب به (Sir) بود که در سال ۱۸۲۲ میلادی در سفر حج خود مذهب وهابی را پذیرفت.

سید احمدخان، فردی غربزده و از موانع مهم اقدامات بیدارگرانه سید جمال‌الدین اسدآبادی در هند نیز بود.

در الجزایر امام سنوسی برای حج به مکه رفت و دعوت «وهابیه» را بشنید و آن را پذیرفت و پس از بازگشت به موطن خود در انتشار آن کوشید.

## (ب) منابع

- ۱ منابع درس قبل.
- ۲ منابعی که برای تهیه قسمت دانستنی‌های ضروری استفاده شده :
- فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸
- فرهنگ جامع سیاسی، محمد طلوعی، نشر علمی، ۱۳۷۲
- فرهنگ‌نامه کلید دانش، نشر طلایی، ۱۳۸۵
- فرهنگ اصطلاحات نجومی، ابوالفضل مصفی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶
- ۳ همراه با راستگویان، محمد تیجانی، ترجمه سید جواد مهری، بنیاد معارف اسلامی قم، برای معلم و دانش‌آموز
- ۴ آنگاه هدایت شدم، محمد تیجانی، ترجمه سید جواد مهری، بنیاد معارف اسلامی قم، برای معلم و دانش‌آموز
- ۵ آئین وهابیت، جعفر سبحانی، برای معلم
- ۶ وهابیت بر سر دوراهی، آیه‌الله مکارم شیرازی، مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۵، برای معلم و دانش‌آموز
- ۷ تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، محمدحسین ابراهیمی، ۱۳۸۵، برای معلم و دانش‌آموز
- ۸ نقدی بر اندیشه وهابیان، محمدحسن موسوی قزوینی، ۱۳۸۴، برای معلم و دانش‌آموز
- ۹ این است آئین وهابیت، محمدجواد مغنیه، ترجمه ابراهیم سیدعلوی، برای معلم و دانش‌آموز

# نگاهی به تمدن جدید

درس دوازدهم

## قسمت اول: کلیات

### الف) هدف‌ها

۱ هدف کلی: ارزیابی تمدن جدید بر مبنای معیارهای تمدن متعالی اسلام

۲ هدف‌های آموزشی

- شناخت پیامدها و نتایج تمدن جدید در مهم‌ترین حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی
- ارزیابی پیامدها و نتایج تمدن جدید با مراجعه به معیارهای تمدن متعالی اسلام

### ب) ارتباط با درس قبل

در درس قبل گزارشی از تمدن اسلامی ارائه شد و میزان انطباق آن با معیارهای تمدن متعالی اسلام مورد بررسی قرار گرفت. در این درس گزارشی از تمدن جدید غرب ارائه می‌شود و سپس این تمدن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا میزان انطباق آن با معیارهای تمدن متعالی اسلام مشخص شود.

نقد تمدن غرب با معیارهای برخاسته از فرهنگ خود، نوجوان و جوان ما را در موضعی فعال نسبت به تمدن غرب قرار می‌دهد و از حالت انفعالی خارج می‌سازد؛ عزت نفس و استقلال رأی او را تقویت می‌کند و خودباوری‌اش را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزان و جوانان ما باید دریابند که می‌توانند تمدن جدید را با همه عظمتش بفهمند و نقاط قوت و ضعف آن را با معیارهای خودشان تشخیص دهند.

کاری که بسیاری از مبلغان غرب می‌کنند این است که به مسلمانان و شرقیان القا نمایند که شما در مرتبه‌ای نیستید که تمدن جدید را نقد کنید، آن هم با معیار خودتان. آنها به ما می‌گویند بیاید با معیارهایی که ما به شما می‌دهیم تمدن خود و گذشته خود را نقد کنید و هم تمدن جدید را. روشن است که در این گونه نقدها حق به جانب چه کسی خواهد بود. اما در این درس تلاش شده است تا این رابطه معکوس شود و

دانش‌آموزان با معیارهای برخاسته از اعتقادات خود تمدن جدید را بررسی کنند. نکته‌ای که در این درس به آن توجه شده است، نقد منصفانه غرب است یعنی نه مانند برخی، چهره کاملاً سیاه از غرب نشان داده شده است و نه مانند برخی دیگر، چهره بزک کرده غرب مطرح شده است، بلکه سعی شده نقاط قوت تمدن غرب در کنار نقاط ضعف آن دیده شود. این نوع نگاه به غرب باعث می‌شود تا دانش‌آموزان نیز به این نتیجه برسند که این درس منصفانه به نقد غرب نشست است و از این رو نقدهای صورت گرفته در این درس را راحت‌تر بپذیرند و موضع افراطی در دفاع از غرب نگیرند.

### ج) محورهای اصلی درس

- ۱ لزوم بررسی نقاط قوت و ضعف تمدن غرب برای بهره‌گیری از نقاط قوت آن و عبرت گرفتن از ضعف‌ها به منظور حرکت به سوی سامان‌دهی تمدن اسلامی
- ۲ بررسی زمینه‌های پیدایش تمدن جدید: ۱- کلیسا و تعالیم تعریف شده ۲- بهره‌گیری از تجربیات تمدن‌های دیگر از جمله تمدن اسلامی
- ۳ بیان آثار مثبت و منفی تمدن جدید در سه حوزه علم، عدالت، خانواده

### مراحل تدریس

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات ابتدای درس
۲	تبیین لزوم بررسی هم‌زمان نقاط ضعف و قوت تمدن جدید
۳	بررسی زمینه‌های پیدایش تمدن جدید
۴	بررسی پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه علم
۵	بررسی پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه عدل
۶	بررسی پیامدهای تمدن جدید در حوزه خانواده
۷	انجام فعالیت «برداشت»

### ۱ قرائت صحیح آیات همچون دروس گذشته

۲ تبیین لزوم بررسی هم‌زمان نقاط ضعف و قوت تمدن جدید: در ابتدای تدریس، دبیر با بیان تاریخچه اجمالی سه تمدن بزرگی که در اروپا تشکیل شده است، به لزوم بررسی ابعاد مختلف تمدن جدید می‌پردازد و به دور از پیش داوری در خصوص این تمدن، بیان می‌دارد که هر تمدنی نقاط قوت و وضعی دارد که بایستی جهت شکوفایی تمدن اسلامی، نقاط قوت آن را جهت استفاده و به‌کارگیری و نقاط ضعف آن را جهت پیشگیری و پرهیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

متأسفانه برخی دبیران در این درس تنها به سیاه‌نمایی تمدن غرب پرداخته و سعی در ارائه چهره سراسر ضعف و نقص از این تمدن را دارند که همین رویه باعث می‌شود، دانش‌آموزان که معمولاً شیفته مظاهر این تمدن هستند، موضع دفاعی بگیرند و هیچ کدام از نقدهای دبیر خود را، حتی آنهایی که کاملاً به حق هستند، نپذیرند؛ در حالی که اگر همین دانش‌آموزان احساس کنند که دبیر آنها به نقاط قوت تمدن غرب معترف است و منصفانه به بیان نقاط قوت و ضعف می‌پردازد، بیشتر پذیرای نقدهای وارد بر تمدن غرب خواهند بود.

### ۳ بررسی زمینه‌های پیدایش تمدن جدید

در این قسمت به برخی از زمینه‌های شکل‌گیری تمدن جدید پرداخته شده است تا دانش‌آموزان تحلیل درستی از علل پیدایش تمدن جدید داشته باشند.

عامل اول شکل‌گیری این تمدن، کلیسا بود. تبیین این عامل باید حاوی نکات زیر باشد:

(الف) اعتقادات خاص کلیسا (که عموماً با تفکر عقلانی و عقلانیت سازگار نبود)

(ب) موقعیت استثنایی پاپ و اختیارات فوق‌العاده او

(ج) مخالفت با نظریات جدید علمی به بهانه ناسازگاری با دین

طرح این موارد سبب می‌شود که دانش‌آموزان تفاوت بنیادین اسلام و مسیحیت قرون وسطی را درک کنند و دریابند که چرا کنار گذاشتن دین مسیح در اروپا از عوامل پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود و بی‌توجهی به آموزه‌های اسلامی سبب عقب‌ماندگی مسلمانان می‌گردد؛ چراکه دین اسلام برخلاف مسیحیت تحریف شده، هیچ تعارضی با عقل ندارد بلکه عقل مؤید آن است و همچنین مشوق مسلمانان در روآوردن به علم و دانش بوده است.

### ۴ بررسی پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه علم

در آثار مثبت حوزه علم بر دو اثر تأکید شده است:

۱- رشد سریع علم

۲- توانایی بهره‌مندی بیشتر از طبیعت

این دو اثر معمولاً مورد توجه بسیاری از دانش‌آموزان است. آنها تمدن جدید را مظهر علم و دانش می‌بینند و از آن رو شیفته آن می‌شوند. در اینجا ما بر این نقطه قوت تمدن جدید تأکید کرده‌ایم اما در ادامه



آن آثار سوئی را که معمولاً از نگاه دانش‌آموزان مخفی می‌ماند و به آن توجه نمی‌شود را نیز بیان کرده‌ایم تا دانش‌آموز بداند که در کنار این آثار مثبت، چه پیامدهای منفی‌ای در عرصه علم و دانش به وجود آمده است که برآمده از نگاه تک‌بعدی غرب به این حوزه است. آثاری چون تخریب طبیعت، مصرف‌گرایی، غفلت از تکامل بعد معنوی، شتاب در مصرف منابع طبیعی و به هدر دادن آن که همگی ناشی از دوری از یکتاپرستی و بی‌توجهی به فرمان‌های خداوند است. اگر روح عبودیت و بندگی در میان مردم حاکم بود، این آثار تخریبی ظاهر نمی‌شد.

#### ۵ بررسی پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه عدالت

در این حوزه نیز، کتاب درصدد قضاوت منصفانه تمدن جدید است و از این رو نکات مثبت این تمدن را در عرصه برپایی عدل بیان کرده است که عبارت‌اند از: توجه به قانون و مشارکت مردم در تشکیل حکومت. و این به دلیل تلاش‌های زیادی بود که از سوی اندیشمندان غرب صورت گرفت که روابط انسان‌ها و حقوق و مسئولیت‌ها مبتنی بر عقلانیت و علم باشد. اگرچه این تلاش‌ها موفقیت‌هایی در پی داشت و قوانین حقوقی زیادی تصویب شد اما از آنجا که قانون برآمده از احکام الهی به کلی کنار گذاشته شد، در نتیجه نوعی حکومت طاغوتی و مخالف با عبودیت پروردگار در دنیا رواج یافت که نسبت به اطاعت احکام الهی بی‌تفاوت بود و این باعث شد که علم و عقلانیت در مسیر استعمار ملت‌ها و تحمیل حکومت‌های ستمگر به کار گرفته شود و همین باعث بروز آثار و پیامدهای منفی‌ای شد که در این درس به سه مورد آن اشاره شده است.

#### ۶ بررسی پیامدهای تمدن جدید در حوزه خانواده

متأسفانه تمدن جدید هیچ اثر مثبت قابل توجهی در عرصه خانواده نداشت و نه تنها برنامه‌ای ثمربخش برای حمایت از بنیان خانواده اجرا نکرد، بلکه در این تمدن، خانواده ضعیف‌ترین جایگاه خود را یافت. این نتیجه آن است که در تمدن جدید تنها به بُعد مادی انسان توجه شد و از ابعاد متعالی او غفلت شد. وقتی انسان محدود به بُعد مادی می‌شود، تنها لذت‌ها و خوشی‌های مادی معنا می‌یابد و از این رو انسان به جای تن دادن به مسئولیت‌های معنوی و ظاهر شدن در نقش پدر و مادر، تنها به خوشگذرانی و عیاشی در قالب روابط جنسی بدون چارچوب و مسئولیت می‌پردازد.

در این نگاه روح و بُعد فرامادی انسان اساساً امری بی‌معناست و هرچه هست تن مادی اوست. همین امر باعث می‌شود به جای توجه به زیبایی‌های درونی زن، همچون عواطف، حس مادری و یا احساسات دخترانه، تنها به جسم و زیبایی‌های جسمی او توجه شود.

#### ۷ برداشت

از آنجا که هنر امروز دربردارنده پیام‌هایی از قبیل خشونت، روابط جنسی، برهنگی، بی‌توجهی به بنیان خانواده، شهوت‌پرستی، مصرف‌گرایی، دنیادوستی و پوچ‌گرایی است، انسان را به وادی بی‌اخلاقی سوق می‌دهد.

علت این امر این است که تأکید افراطی بر بُعد مادی انسان، روح هنر عصر جدید را تشکیل داده است، از این رو، هر آنچه در نقطه مقابل بُعد مادی است بی ارزش جلوه داده می‌شود.

## قسمت سوم: تمهیدات

### الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

#### اصطلاحات علمی

۱- **کلیسا:** جامعه مذهبی مسیحیت، محل عبادت مسیحیان؛ کلمه «کلیسا» معمولاً به کلیسای کاتولیک و رومی اطلاق می‌شود و به تعبیر دیگر آن را کلیسای لاتینی یا کلیسای مغرب می‌نامند که پاپ رئیس ظاهری آن است. کلیسای یونانی یا کلیسای مشرق، که اُرتُدُکس خوانده می‌شود، به هیچ‌وجه رهبری پاپ را قبول ندارد. کلیسای پروتستان یا کلیسای بازنگری شده، از جنبه‌های متعددی با کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس فرق دارد و شامل فرقه‌های مختلف پروتستانی می‌شود. کلیسای اخیر در شمال اروپا و آمریکا رواج دارد و هیچ چیز جز کتاب مقدس برای آنها حجیت ندارد. این سه کلیسا عموماً تحت نام کلی «دین مسیح» یا «مسیحیت» نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

۲- **غسل تعمید:** از آیین‌های مسیحیت کاتولیک است. با انجام این مراسم، نفس انسان از گناه اولیه پاک شده، فرزند خدا و وارث بهشت می‌گردد. از نظر مسیحیان، حضرت آدم علیه السلام در بهشت اولیه مرتکب گناه شد و این گناه دامن همه انسان‌ها را گرفت. شخص تعمید یافته که ننگ گناه آدم را تحمل کرده است به واسطه شایستگی‌های عیسی مسیح، نه شایستگی‌های خودش، تولد معنوی دوباره‌ای می‌یابد و وارد حیات اسرارآمیز کلیسا می‌شود و شایسته بهشت می‌گردد و هیچ قدرتی جز اختیار خود او نمی‌تواند آن را از او بگیرد. تعمید، فضایل الهی ایمان، امید، محبت و فضایل چهارگانه اصلی، یعنی عدالت، آینده‌نگری، خویشتن‌داری و بردباری را در نفس ایجاد می‌کند.

نشانه محسوس تعمید، ریختن آب همراه با این عبارت کشیش است: «ای فلان، من تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهم.»<sup>۲</sup>

۳- **اعتراف و توبه:** یکی از آیین‌های کلیسا است که هر کس می‌خواهد توبه کند، این توبه را در مقابل کشیش اعلام می‌کند و به گناهان خود اعتراف می‌نماید. در این آیین، گناهی که شخص توبه‌کننده بعد از تعمید مرتکب شده، آمرزیده می‌شود. اعتراف شفاهی در حضور مسیح برای آمرزش گناهان لازم است.

۱- فرهنگ معین

۲- آیین کاتولیک، جورج براتل، حسن فنبری، ص ۱۳۴

مسیح قدرت آموزش گناهان را به حواریان خود و جانشینان آنان داد؛ به همین جهت کلیسا مقرر داشته است که باید گناهکاران، نزد کشیشان به گناه اعتراف کنند تا آمرزیده شوند.<sup>۱</sup>

**۴** پاپ؛ رئیس کلیسای کاتولیکی رُم که توسط جمعی از کاردینال‌ها انتخاب می‌شود. مقرّ او واتیکان (در رُم پایتخت ایتالیا) است. مسیحیان معتقدند هنگامی که روح القدس در روز عید پنجاهه بر رسولان (مبلغان مسیح در مناطق مختلف) نازل شد، کلیسا متولد شد و روح حقیقت، برای تعلیم همه حقایق آمد و جاودانه در کلیسا باقی ماند. بدین ترتیب، فقط کلیسا می‌توانست حقیقت را تعلیم دهد. معنای این سخن آن است که پاپ خطاناپذیر است و نمی‌تواند خطا را تعلیم دهد. بنابراین، از عید پنجاهه تاکنون، پاپ در موضوعات ایمانی و اخلاقی معصوم بوده است. بنابراین، بیانیه‌های پاپ‌های رُم تغییرناپذیرند و توافق کلیسا نمی‌تواند آنها را تغییر دهد.<sup>۲</sup>

**۵** مارتین لوتر؛ اصلاح طلب مذهبی آلمانی که در سال ۱۴۸۳ میلادی متولد و در سال ۱۵۴۶ درگذشت. او دهقان زاده بود. سپس کشیش و استاد فلسفه دانشگاه «ارفورت» شد. لوتر، بانی مذهب جدید (پروتستان) در دین مسیح است. او با پاپ و کشیشان که از مردم اعتراف و پول می‌گرفتند به مخالفت برخاست و برخلاف دستور پاپ، کتاب انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد؛ تا آن زمان، کلیسای کاتولیک زبان لاتین را مقدس می‌شمرد و معتقد بود که انجیل فقط باید به زبان لاتین باشد. پیروان او را «لوتریان» یا «لوتری» گویند. مذهب لوتر بیشتر در آلمان و اتریش رواج داشت.<sup>۳</sup>

**۶** ژان کالون؛ وی پیشوای یک نهضت اصلاح طلبانه مسیحی مذهب در فرانسه است. وی مبلغ اصول عقاید «رِفُرم» در فرانسه و سوئیس بود. کالون در ژنو اقامت گزید و در آنجا جمهوری تأسیس کرد و همان‌جا در سال ۱۵۶۴ درگذشت. کالون مؤسس فرقه‌ای است که به نام خود او، «کالونیسم» نامیده شد. افراد این فرقه جزو پروتستان‌ها محسوب می‌شوند. اینان طرفدار دموکراسی و مخالف با کلیه مراسم و آداب معمول در مذهب کاتولیک هستند. پیروان این فرقه بیشتر در هلند، سوئیس، فرانسه، مجارستان و شمال انگلستان سکونت دارند.<sup>۴</sup>

**۷** استعمار؛ این کلمه در لغت به معنی طلب آبادانی کردن و آبادانی خواستن است. در قرآن کریم نیز این کلمه در همین معنا به کار رفته است. مثلاً در آیه ۶۱ سوره هود می‌خوانیم: «هوَأَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» او شما را از زمین پدید آورد و شما را به آبادانی در آن فراخواند.

معنی اولیه این کلمه آن است که گروهی از یک کشور مهاجرت کنند و یک مجموعه مسکونی جدید در سرزمین‌های تازه تشکیل دهند. اما معنای رایج آن، که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی و

۱- همان، ص ۱۳۷

۲- آیین کاتولیک، جورج براتل، ص ۱۶۹

۳ و ۴- فرهنگ معین

اقتصادی یک دولت قدرتمند بر یک سرزمین با قوم یا ملت ضعیف است. گرچه تاریخ استعمار به قرون قدیم برمی‌گردد، اما تاریخ حقیقی استعمار به مفهوم جدید، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. در این دوره، اروپا نفوذ خود را در دنیای غیراروپایی گسترش داد. کشف قاره آمریکا، دولت‌های بزرگ اروپایی (اسپانیا، پرتغال، فرانسه، انگلستان و هلند) را برانگیخت که به تصرف سرزمین‌های تازه کشف شده بپردازند و این سرآغاز استعمار و تشکیل امپراتوری‌های نو بود. امپراتوری اسپانیا در آمریکای مرکزی و جنوبی، پرتغال در برزیل، فرانسه و انگلستان و هلند در آمریکای شمالی و جزایر هند غربی و آسیا و آفریقا مستعمراتی را به وجود آوردند. هدف اصلی این استعمارگران دست‌یافتن به منابع تازه و تجارت بود. این مرحله از استعمار، در اواخر قرن هجدهم به پایان رسید.

مرحله جدید استعمار در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ شکل گرفت که ناشی از انقلاب صنعتی بود. در این دوره، کشورهای استعمارگر، منابع و مواد خام کشورهای مستعمره را بیش از پیش غارت کردند و آنها را تبدیل به بازار مصرفی برای تولیدات خود نمودند.

مرحله آخر استعمار که به «استعمار جدید» مشهور است، با اعطای استقلال به دولت‌های مستعمره همراه بود. کشورهای صنعتی به مستعمرات خود که اکنون به کشورهای کوچکی تبدیل شده بودند استقلال دادند، اما روابط یک‌جانبه اقتصادی را حفظ کردند و آنها را به صورت زاید اقتصادی خود، تحت سلطه نگاه داشتند. در این مرحله، از طریق صدور سرمایه و تأثیرگذاری بر قیمت‌ها و مبادله مواد خام با کالاهای ساخته شده و فشارهای سیاسی و اقتصادی، کشورهای کمتر رشد یافته را استثمار می‌کنند. این رابطه، عنوان «نئوکولونیالیسم» و بسیاری از ملت‌های کوچک و تازه آزاد شده را علیه این نوع رابطه سیاسی و اقتصادی برانگیخته است. این روش سبب می‌شود که کشورهای ضعیف همچنان در مراحل اولیه رشد اقتصادی باقی بمانند و یا حتی عقب بروند و در مقابل کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آنها و از راه مبادله اقتصادی، سودهای کلان به دست آورند. رواج این اصطلاح مخصوصاً از کنفرانس باندونگ (آوریل ۱۹۵۵) آغاز شد. در این کنفرانس، سوکارنو، رئیس‌جمهور اندونزی، به نوعی از استعمار اشاره کرد که در لباس جدید و از طریق نظارت و تسلط اقتصادی و فرهنگی، همان هدف‌های استعماری کهن دنبال می‌شود.<sup>۱</sup>

**۸** **نهیلیسم (nihilism)**؛ حقیقت این اندیشه به نفی مطلق و طرد و انکار هرگونه اندیشه مثبت برمی‌گردد و نخستین بار، تورگنیف روسی در داستان «پدران و پسران» (۱۸۶۲) این عنوان را برای گروهی از آنارشیست‌های قرن نوزدهم روسیه به کار برد. به تدریج این اصطلاح برای کسانی به کار رفت که منکر هدفمندی جهان و انسان بودند و انسان را وانهاده‌ای در برهوت دنیای مادی می‌پنداشتند که سرنوشتی نامعلوم و مبهم در انتظار اوست و هیچ سرنوشت روشنی برای او نمی‌توان در نظر گرفت.

- ۱ اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، معلم و دانش آموز
- ۲ اسلام و تنگناهای انسان متجدد، سید حسین نصر، انشاء الله رحمتی، نشر سهروری، معلم
- ۳ افسانه نجات بخشی علم، ماری میجلی، عبدالرحیم گواهی، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، معلم و دانش آموز
- ۴ امام خمینی و گفتمان غرب، علی خالقی افکنند، انجمن معارف اسلامی ایران، معلم و دانش آموز
- ۵ اوتوبی و عصر تجدد، رضا داوری اردکانی، نشر ساقی، معلم و دانش آموز
- ۶ باورهای کهن و خرافه‌های نوین، مارتین لینگز، کامبیز گوتن، انتشارات حکمت، معلم و دانش آموز
- ۷ بحران دنیای متجدد، رنه گنون، سیدضیاءالدین دهشیری، انتشارات امیرکبیر، معلم
- ۸ تمدن و تفکر غربی، رضا داوری، نشر ساقی، معلم
- ۹ جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، سید محمد تقوی، انتشارات امیرکبیر، معلم و دانش آموز
- ۱۰ جوان مسلمان و دنیای متجدد، دکتر سید حسین نصر، مرتضی اسعدی، طرح نو، دانش آموز
- ۱۱ چپاول دانش و طبیعت، واندانا شیوا، حسین داوری، کتاب صبح، معلم و دانش آموز
- ۱۲ خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، معلم و

## دانش آموز

- ۱۳ زندگی در عیش؛ مردن در خوشی، نیل پُستمن، سید صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، معلم
- ۱۴ عصر امام خمینی علیه السلام، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب قم، معلم و دانش آموز
- ۱۵ در سراسیمگی گومورا، رابرت. ا.ج. بورگ، الهه هاشمی حائری، انتشارات حکمت، معلم و دانش آموز
- ۱۶ علل تزلزل تمدن غرب، اصغر طاهرزاده، گروه فرهنگی المیزان، معلم و دانش آموز
- ۱۷ غرب‌زدگی، جلال آل احمد، نشر رواق، دانش آموز
- ۱۸ فردایی دیگر، سید مرتضی آوینی، نشر ساقی، معلم و دانش آموز
- ۱۹ فرهنگ پرهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، انتشارات سروش، دانش آموز
- ۲۰ گزینش تکنولوژی از دریچهٔ بینش توحیدی، اصغر طاهرزاده، انتشارات گلبن، معلم و دانش آموز
- ۲۱ مبانی توسعه و تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، نشر ساقی، معلم و دانش آموز
- ۲۲ علل گرایش به مادی‌گری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، معلم و دانش آموز
- ۲۳ نگرشی تاریخی به رویارویی غرب با اسلام، جهانبخش ثواب، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، معلم
- ۲۴ وامداری غرب نسبت به شرق، محمد آراسته‌خو، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، معلم و

## دانش آموز

- ۲۵ ویژگی‌های قرون جدید (مجموعه آثار، ج ۳۱)، علی شریعتی، نشر چاپخش، معلم و دانش آموز
- ۲۶ غرب‌شناسی، سید احمد رهنمایی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

# مسئولیت بزرگ ما

درس سیزدهم

## قسمت اول: کلیات

### الف) هدف‌ها

۱ هدف کلی: ارائه برنامه‌هایی برای اصلاح تمدن کنونی و حرکت به سوی تجدید حیات جهان اسلام و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تمدن بزرگ جهانی آن حضرت.

#### ۲ هدف‌های آموزشی

- توجه به شرایط حساس کنونی و مسئولیتی که بر دوش ما مسلمانان است.
- توانایی در تنظیم برنامه برای خودسازی فردی جهت حضور فعال و مؤثر در جهان کنونی
- توانایی در تنظیم برنامه برای کمک به جامعه در جهت تقویت بنیان خانواده
- توانایی در تنظیم برنامه برای کمک به جامعه در جهت تحکیم بنیان‌های جامعه
- توانایی در تنظیم برنامه برای حضور فعال در جامعه جهانی

### ب) ارتباط با درس قبل

در سه درس پیشین دانش‌آموزان با معیارهای تمدن اسلامی آشنا شدند و تمدن اسلامی و تمدن جدید را نقد و بررسی کردند و با فعالیت‌هایی که انجام دادند انگیزه‌شان برای یک اقدام عملی تقویت می‌شود. این درس برنامه‌ریزی برای آن اقدام عملی است.

### ج) محورهای اصلی درس

۱ ما مسلمانان نسبت به احیای تمدن اسلامی و اصلاح تمدن کنونی مسئولیت داریم.

۲ تجربه‌های موفق ملت ایران نشانه آن است که می‌توانیم در این مسئولیت موفق باشیم.

۳ برای تجدید حیات تمدن اسلامی و اصلاح‌گری در تمدن جدید و آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله فرجه نیازمند برنامه‌ریزی هستیم.

۴ این برنامه باید در چهار محور خودسازی فردی، تحکیم بنیان خانواده و استحکام بنیان‌های جامعه خود و حضور فعال در جامعه جهانی تنظیم گردد.

## قسمت دوم : سازمان‌دهی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری

### (د) مراحل تدریس

برای تدریس این درس مراحل زیر پیشنهاد می‌شود :

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات درس
۲	تبیین موقعیت کنونی جهان و مسئولیت‌های بزرگ مسلمانان
۳	انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۱)»
۴	بیان ضرورت برنامه‌ریزی و تبیین برنامه‌های حوزه اول
۵	انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۲)»
۶	تبیین برنامه‌های حوزه دوم
۷	تبیین برنامه‌های حوزه سوم
۸	انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۳)»
۹	انجام فعالیت «هم‌اندیشی (۱)»
۱۰	تبیین برنامه‌های حوزه چهارم
۱۱	انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۴)»
۱۲	انجام فعالیت «بررسی»
۱۳	انجام فعالیت «هم‌اندیشی (۲)»

## ۱ قرائت صحیح آیات به شیوه درس‌های قبل

### ۲ تبیین موقعیت کنونی جهان و مسئولیت‌های بزرگ مسلمانان

دبیر محترم می‌تواند این تبیین را در قالب پرسش و پاسخ یا هر شیوه دیگری که مناسب می‌داند انجام دهد و در پایان هدف‌های سه‌گانه‌ای را که بر عهده مسلمانان است، روی تابلو می‌نویسد و درباره هر یک از این هدف‌ها نکاتی را بیان می‌کند.

### ۳ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۱)»

با تدبر در این آیه، جملات زیر را تکمیل کنید :

۱- خداوند یک وعده حتمی داده است و آن وعده این است که در آینده بندگان صالح، وارثان زمین خواهند بود.

۲- این وعده در کتاب‌های آسمانی از جمله زبور آمده است.

۳- مقصور از به ارث بردن زمین، حکومت و اقتدار در زمین است؛ یعنی حاکمیت جهان به بندگان صالح می‌رسد.

### ۴ بیان ضرورت برنامه‌ریزی و تبیین برنامه‌های حوزه اول

برای اجرای این مرحله، دبیر محترم می‌تواند از شیوه‌های مختلفی استفاده کند. یک شیوه آن است که خود دبیر ضرورت برنامه‌ریزی و حوزه‌های مربوط به آن را توضیح دهد. شیوه دیگر، استفاده از پرسش و پاسخ است. شیوه سوم به این صورت است که دانش‌آموزان متن‌ها را مطالعه کنند و قسمت به قسمت توضیح دهند و در لابه‌لای توضیحات آنها، دبیر نیز نکات ضروری را بیان می‌کند.

همان‌طور که در کتاب درسی مشاهده می‌کنیم، این برنامه‌ریزی باید در چهار حوزه فرد، خانواده، جامعه خویش و جامعه جهانی صورت پذیرد. توسعه برنامه‌ریزی از حوزه شخصی و فردی به حوزه‌های وسیع‌تر، به‌خصوص به حوزه جهانی، به توسعه دیدگاه و انتظارات فرد از خود کمک می‌کند و سبب بیرون آمدن وی از لاک فردیت گشته و مسئولیت‌پذیری اجتماعی او را تقویت می‌کند و این از جمله نیازهای جامعه جوان امروز ماست.

اولین حوزه‌ای که دبیر به تبیین آن می‌پردازد حوزه خودسازی فردی است. لازم است دبیر محترم تذکر دهد که هر دانش‌آموزی در رابطه با خود باید یک برنامه جامع داشته باشد که در بخشی از آن برنامه کلی، جایی هم برای برنامه‌ریزی مربوط به این مسئولیت‌ها باز نماید.

دو برنامه‌ای که در اینجا پیشنهاد شده است عبارت‌اند از :

۱- تلاش برای کسب آگاهی و بصیرت

۲- تقویت ایمان و اراده

البته هر دانش‌آموز با توجه به موقعیت و شرایط شخصی خود می‌تواند برنامه‌های دیگری نیز در نظر بگیرد



و به اجرا درآورد.

#### ۵ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۲)»

۱- عاقبت نیک و پیروزی از آن چه کسانی است؟

از آن بندگان با تقوای خداست.

۲- این عاقبت نیکو در چه صورتی به آنان می‌رسد؟

قانونمندی و نظامی که خداوند بر جامعه حاکم کرده این اقتضا را دارد که اقتدار و حاکمیت به بندگان می‌رسد که تقوا پیشه باشند، از خداوند کمک طلب کنند و در راه او صبر پیشه کرده و با استقامت باشند و مشکلات آنان را به سستی نکشاند.

#### ۶ تبیین برنامه‌های حوزه دوم

با توجه به اهمیتی که بنیان خانواده در اسلام دارد و نیز با نظر به اینکه در عصر جدید، این بنیان به شدت آسیب دیده است، تلاش در جهت تقویت آن، تلاش در جهت تقویت بسیاری از ارزش‌ها، تربیت صحیح نسل جدید و آماده‌سازی او برای حضور در دنیای امروز است. از این رو، به عنوان یک حوزه مستقل از آن یاد شده و نیازمند برنامه‌ریزی ویژه است. با توجه به آموخته‌های دانش‌آموزان در سال سوم، دبیر می‌تواند به ضرورت برنامه‌ریزی در این حوزه، تأکید نماید.

#### ۷ تبیین برنامه‌های حوزه سوم

در این مرحله، دبیر به تبیین برنامه‌هایی که برای «تقویت بنیان‌های جامعه خویشتن» عرضه شده است می‌پردازد. این برنامه‌ها جنبه پیشنهادی دارد و می‌توان موارد دیگری را بر آن افزود که عبارت‌اند از:

**الف) شناسایی ضعف‌ها و کمبودها و تلاش در جهت اصلاح آنها:** جامعه ما دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که همواره مورد اعتراض جوانان است. برخی از دبیران به هنگام مواجهه با این اعتراض‌ها، به شدت موضع دفاعی می‌گیرند و درصدد توجیه این ضعف‌ها و کاستی‌ها برمی‌آیند و همین باعث می‌شود که مخاطب احساس کند، دبیر وی مدافع حق نیست و از این رو نسبت به همه صحبت‌های وی موضع بگیرد.

بهترین راه در مواجهه با این موقعیت، پذیرش کاستی‌ها و اعتراف به آنها از یک سو و از سوی دیگر تحسین دانش‌آموزان به دلیل داشتن این روحیه حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی است. باید به دانش‌آموز گفت که انقلابی بودن یعنی روحیه ضد ظلم و تبعیض داشتن و اکنون که شما چنین روحیه‌ای دارید، همان فرد انقلابی‌ای هستید که بنیان‌گذار این انقلاب، امام خمینی علیه السلام و همچنین رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر آن تکیه دارند. در این خصوص جمله‌ای از رهبر انقلاب در تحسین این روحیه جوانان در این بخش از درس بیان شده است.

**ب) همراه کردن دیگران با خود:** این پیشنهاد منطبق بر آیه شریفه «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله منتهی و فرادی ثم تتفکروا - سبأ، ۴۶» و بسیاری از آیات دیگر است که توأسی به حق و صبر را از همه

مؤمنان نسبت به یکدیگر می‌خواهد و امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه همگانی معرفی می‌کند.

ج) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری؛ این پیشنهاد، علاوه بر اینکه ریشه در توصیه‌های قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام دارد، یک نیاز بسیار اساسی هم محسوب می‌شود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان خود بارها توضیح داده‌اند، «جنش نرم‌افزاری» و «تولید علم» باید در این کشور به وقوع بپیوندد. این واقعه آنگاه اتفاق خواهد افتاد که روحیه استقلال‌طلبی، عزت و سربلندی و علم‌دوستی به روح فرهنگی ملت ما، به خصوص نوجوانان و جوانان ما تبدیل شود.

د) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی؛ این برنامه از آن جهت پیشنهاد شده که تمام برنامه‌های دیگر نیازمند یک پایگاه قوی و ابزار و امکانات وسیع است که از عهده یک دولت و یک نظام قوی و نیرومند برمی‌آید. نظام مقتدر اسلامی این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم برنامه‌های خود را در سطح وسیعی از جهان اسلام و دنیا تبلیغ کنیم و پشتیبانی نماییم.

ه) تقویت «عزت نفس» عمومی؛ این پیشنهاد نیز لازمه هر حرکت بزرگ و عظیم است. کسی که خود را کوچک می‌بیند، چگونه می‌تواند تصمیم‌های بزرگ بگیرد. کسی که بیگانگان را بزرگ می‌بیند، به‌طور ناخودآگاه تابع آنها می‌شود و در مقابل آنها اظهار نظر و اظهار وجود نمی‌کند.

#### ۸ انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۳)»

با تفکر در آیه شریفه فوق بگویید جامعه اسلامی باید در میان جوامع دیگر چه موقعیتی داشته باشد؟ جامعه واقعی اسلامی جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل و میانه زندگی را در پیش گیرد و آن را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد.

#### ۹ انجام فعالیت «هم‌اندیشی (۱)»

این فعالیت با گفت‌وگو و تعامل دانش‌آموزان پاسخ داده می‌شود و هر یک ضمن بیان نظر خود به ارائه دلیل در خصوص نظر خود می‌پردازد.

گنجاندن این فعالیت به منظور تقویت روحیه مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی در میان دانش‌آموزان است تا نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌توجه نباشند و خود را در برابر آن مسئول بدانند.

#### ۱۰ تبیین برنامه‌های حوزه چهارم

در این مرحله، دبیر به تبیین برنامه‌های حوزه چهارم که حوزه جهانی است، می‌پردازد. اولین برنامه برای حضور در عرصه جهانی تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین است. همان‌طور که پیامبران مبعوث شده بودند تا گنجینه‌های عقل را آزاد نمایند، امروزه نیز لازم است بیداری عقلانی انسان‌ها را هدف قرار داد؛ زیرا به‌عکس آنچه تبلیغ می‌شود امروزه عقل، مقهور هوس و تابع دنیاطلبی است. همان‌طور که قرآن کریم تعلیم می‌دهد، در صورتی که انسان‌ها حقیقتاً به عقل روی آورند جذب حقیقت خواهند شد و دین الهی را

تصدیق خواهند کرد.

### ۱۱ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۴)»

در این آیه امر شده که از سه روش برای دعوت به دین استفاده شود :

۱- بهره‌مندی از حکمت و استدلال در هنگام دعوت

۲- استفاده از موعظهٔ حسنه و اندرز نیکو

۳- استفاده از جدال احسن و بهتر، هنگام بحث و مناظره

حکمت دانشی است که بر استدلال‌های متین و محکم استوار است و شک و تردید را از بین می‌برد و جا برای ظن و گمان نمی‌گذارد.

موعظه و اندرز، آن هم بهترین موعظه‌ها، روشی است که عقل عملی فرد را به سمت انتخاب موضع صحیح سوق می‌دهد و بر قلب و جان مخاطب اثر می‌گذارد.

جدال، روشی است که شخص از مقبولات طرف مقابل استفاده می‌کند تا او را در بحث محکوم نماید، چه این مقبولات صحیح باشند و چه نباشند. اما جدال احسن که قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد، جدالی است که در آن شخص باید فقط از مقبولاتی بهره‌برد که صحیح باشند.

### ۱۲ انجام فعالیت «بررسی»

این فعالیت برای آن است که دانش‌آموزان هم به کاربرد صحیح رسانه‌هایی که در فضای مجازی وجود دارد بیشتر توجه کنند و هم از علاقه‌مندی خود به این ابزارها برای تبلیغ دین و معرفی دین به جهانیان بهره‌برند.

دربارۀ سؤال اول می‌توان از ابزارهایی مانند سینما، تئاتر، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، رادیو، تلویزیون، نشریات جذاب، کتاب‌های پرمحتوا و مناسب با سنین مختلف، حضور در نشست‌ها - و از همه مهم‌تر - رفتار و عمل درست و خودسازی نام برد. حضور همراه با عزت و اخلاق و عمل درست در صحنه‌های جهانی مانند صحنه‌های ورزشی و علمی، به طوری که نشان‌دهندهٔ استقلال فکری و هویت دینی باشد خود یک ابزار قوی در رساندن پیام اسلام است.

دربارۀ سؤال دوم می‌توان گفت: دشمنان اخلاق و عدالت و دینداری در جهان علاوه بر اینکه از همهٔ رسانه‌ها و شیوه‌ها بهره‌می‌برند، با سوءاستفاده از تمایلات مادی انسان‌ها، عموماً این ابزار را در جهت تخریب اخلاق دینی به کار می‌گیرند و هدف اصلی خود را نسل جوان ملت‌ها قرار می‌دهند که نسل سازنده، با انرژی و پویای جامعه است.

از جملهٔ راه‌های مبارزه با شیوه‌های دشمنان حق، کسب آگاهی از شگردها و شیوه‌های پیچیدهٔ آنان، برخورد انتقادی و عزتمندانه در برابر الگوهای بی‌کیفیت که به ما معرفی می‌کنند (از قبیل الگوهای لباس، مو و سایر

شیوه‌های زندگی) و دوری از حالت تسلیم‌طلبی و انفعال را می‌توان نام برد. البته همفکری دانش‌آموزان می‌تواند به ارائه شیوه‌های جدیدتر و بهتری منجر شود که دبیر محترم باید به آنها توجه کند.

### ۱۲ انجام فعالیت «هم‌اندیشی (۲)»

این فعالیت مربوط به برنامه چهارم؛ یعنی «مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر و استقامت» است. جهاد مبارزان لبنانی و فلسطینی و یمنی، نمودی از این مبارزه است که باید مورد حمایت تمامی حق‌طلبان جهان قرار گیرد. برای انجام این فعالیت، خوب است که دبیر محترم اطلاعاتی از تحولات دو سه دهه اخیر فلسطین و راه‌های مختلفی را که رهبران فلسطینی پیش گرفته بودند در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا آنها بتوانند بهتر قضاوت کنند.

## قسمت سوم : تمهیدات

### دانستنی‌های ضروری برای معلم

شعری در رثای شهید حججی (مناسب بیشتر بدانیم صفحه ۱۷۵)

بی‌سر شده سردار

از خون سیاوش که بریدند سرش را	تا پورِ علی مرتضی، راه همان است
هر شیردل پاک که آید به چنین ره	گرداست و تهمتَن، ز جنود جاودان است
بی‌باکی و پاکی، ز هنرمندی آنهاست	وز باور ایشان به خداوند جهان است
هر کس شده رهروی چنین راه خدایی	بی‌سر شده سردار و علمدار زمان است
گر باز جدا شد سری از تن چو سیاوش	این رسم قدیم و ابدالذهر جهان است
ما چون حججی، اشجع <sup>۱</sup> این دوروزمانیم	فرماندهٔ ما، حیّ نهان، یاورمان است

روزبه کهنمویی

۱- پیامبر اسلام ﷺ فرمود: اشجع الناس من غلب هواه، «شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند».



معلمین محترم و معاصب نظران گرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب این کتاب از

طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه رسی مربوطه و یا پیام نگار Email

ارسال نمایند [talif@talif.sch.ir](mailto:talif@talif.sch.ir)

بگزارند. کتب بی‌بی‌سی گوی و متوسط نظری

